



۲۰۱۹/۰۲/۱۳



وژمه فروغ

## به مسکو رفته گانی که دوحه میروند

در این چند روز، همه مردم مخصوصاً زنان و جوانان نگران اوضاع کشور هستند. آنانی که در رسانه ها کار می‌کنند، نگران کار رسانه ای تحت شعاع امارت طالبان و یا آنانی که روزی شان از هتل‌های مجلل عروسی می‌آید، از نام امارت طالبانی به فکر روزهایی میروند که کابل را شهر مرده‌ها ساخته بودند و نام و نشان شادمانی و موسیقی در شهر نبود. زنان در خانه ها گور و مردان برای رهایی از دام امر بالمعروف با کثیفترین لباس‌ها بیرون می‌شدند چون فرد منظم و آراسته در سرک های کابل شلاق می‌خورد.

۱۷ سال گذشت. پیرهای آن زمان در گذشتند و نوجوانان با تغییرات بعد از ۲۰۰۱ برای خود زندگی را روشنتر ساختند. به تحصیل و کار پرداختند و با دسترسی نسبی به تکنولوژی روز به جهان پیوستند. این جوانان زیر ۳۰ سال بالاتر از ۶۰ فیصد نفوس جامعه افغانی را تشکیل می‌دهند، مگر چرا صدای شان در تصامیم کلان کشوری شنیده نمی‌شود؟ در این چهار سال اخیر اکثریت کسانی که در نظام کنونی به منصب رسیدند کسانی اند که محصول همین ۱۸ سال گذشته شمرده می‌شوند. هر کدام شان در داخل و یا خارج کشور تحصیل کردند و دوباره برگشتند و به کار ادامه دادند.

حملات طالبان در سال‌های اخیر که زیادتیر محلات عامه و مردم عام ما را هدف قرار داده است، پیشرفت و انکشاف را تا حدی زیاد متاثر ساخت و جامعه هر روز با یک درد از دست دادن اعضای خانواده و دوستان عادت کرد. اما روش زندگی در افغانستان جدید با تمام مشکلات آن دوام دارد و پیشرفت‌هایی را نیز همراه است. تقریباً همه ما می‌دانستیم که باید راه حل به شورش طالبان پیدا شود بعضی‌ها نظامی شدن را ترجیح دادند و بعضی‌ها در مورد جور آمد سیاسی گفتند. همین بود که حد اقل در ۹ سال گذشته اقدامات مختلف در مورد صلح و مصالحه صورت گرفت که از لویه جرگه مشورتی صلح گرفته تا ایجاد شورای عالی صلح و برنامه ادغام مجدد و تا پیشنهاد صلح به طالبان توسط حکومت وحدت ملی و آتش بس سه روزه تا ایجاد هیأت مذاکره کننده و مورد مشورتی صلح میتوان نام برد. اما بعد از این که اداره جدید امریکا خروج از افغانستان را اعلام کرد و برای خروج خود روش مذاکرات مستقیم را با دفتر سیاسی طالبان در قطر تسریع بخشید، ابهامات را برای نسل من که هم زنان و مردان هر دو گروه است زیادتیر ساخته است.

در عین زمان اوضاع سیاسی کشور با دگرگونی‌ها مواجه است. سیاسیون و آنهایی که تا چند ماه جز حکومت وحدت ملی بودند و برای انتخابات ریاست جمهوری راه جدا کردند و به مخالف سیاسی بدل شدند مذاکرات مستقیم امریکا را با طالبان برای بقای خود بهترین گزینه یافتند تا هم به گفته خودشان آینده در آینده سیاسی کشور مطرح باشند و هم بتوانند در صورت آمدن امارت طالبان به دایره قدرت با خطری مواجه نشوند. همان بود که کسانی

که با طالبان عملاً در جنگ بودند و یا از لحاظ عقیدتی حکومت را متهم به سیاست طالبانی میکردند و با روش صلح مخالف بودند نیز خودشان را به دامن عباس استانکزی انداختند و به امامت طالبان سجده هم کردند.

اما مردم افغانستان چی می‌گویند؟ بالاتر از نصف جامعه با فقر دست و پنجه نرم می‌کنند و هر روز برای یافتن دو وقت روزی برای خود و خانواده مبارزه دارند و گاهی نیم گاهی اگر برق بود و چهره‌های سیاسی را در تلویزیون های شان می بینند با چند دشنام، مسوولیت مردمی شان را انجام می‌دهند و صبح دوباره مصروف روزگار می‌شود. اما تعدادی جوانان و زنان کشور خاموش نیستند حتی که صدای شان بلند شنیده هم نمی شوند. هر روز از رسانه ها و دیگر مجراها نگرانی‌های شان را مطرح می سازند و مخصوصاً در یک ماه گذشته این صداها منسجمتر شده است. زنان افغان کمپاین ملی و بین‌المللی را به نام زنان به عقب نمی روند آغاز کرده اند توجه دنیا را نیز جلب کرده است. تعدادی از سناتورهای امریکایی از وزارت خارجه آن کشور خواستند که باید به نظریات و سهم زنان در مذاکرات احترام قایل شوند و این مبارزات جریان دارد.

در عین حال رسانه های اجتماعی با وجود دسترسی محدود آن در افغانستان برای صدای این گروه ها وسیله خود است. نظر سنجی‌ها و ابراز نظرها و مقاله نویسی‌ها دوام دارد و همه در تلاش اند تا صدای شان را به جایی برسانند. از نشست مسکو تا حال نظریات بالاتر از ده‌ها هزار افغان را که از مجراهای مختلف تعقیب کرده‌ام، پیام‌های ذیل را برای سیاسیون کشور دارند:

گروه طالبان جز حقیقت افغانستان است، همه آن نه. نباید برای این که آنها را خوش بسازید صدای میلیون ها افغان را نادیده بگیرید. طالبان شاید از ۱۵-۱۰ فی‌صد بالاتر حمایت مردم را ندارند و اگر با آنها جور آمد می کنید باید آن‌ها با جامعه امروزی ما همخوانی کنند.

افغانستان را به دهه ۹۰ نکشائید. همه شاهد هستیم که انارشسیسم و نابسامی‌ها و نبود نظام باعث شد که افغانستان را ویران کنند و کابل شهری که هر پارچه آن توسط یک گروه نژادی کنترل می‌شد هنوز هم در افکار ما زنده است. اردوی کشور را نابود کردند و همه دارایی بیت‌المال و دارایی‌های مردم به تاراج رفت، میلیون‌ها افغان یا آواره شد و یا شهید شدند، نظام را تقویت کنید. ساختارهایی که در ۱۸ سال به میان آمد، نباید از هم پاشانده شوند. برای مخالفت های تان با رییس جمهور، نظام را متضرر نسازید. انتخابات و قانون اساسی کشور با خون و قربانی‌های مردم ما به دست آمده است و برای بهتر ساختن آن کار کنید.

نگذارید که در کتاب‌های تاریخ که نسل‌های آینده ما در کمپ‌های مهاجرین بخوانند به هر کدام تان بدتر از شاه شجاع لعنت بفرستند.